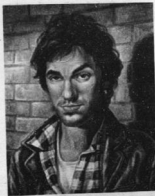


برای همیشه با هم باقی میماند. در سال ۱۹۸۵
گیتار الکتریک را به جای گیتار بیکیبورد
گیتار الکتریک ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ را با گیتار الکتریک
۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ را با گیتار الکتریک بیکیبورد
۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ را با گیتار الکتریک بیکیبورد

در سال ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ با گیتار الکتریک
در سال ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ با گیتار الکتریک
در سال ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ با گیتار الکتریک



Bruce Springsteen

By Jackson Browne

یک سال بعد با بیش تر او را در لوس آنجلس به همراه مکس وایدبرگ، مکرش کلمون و استیوین زانت دیدم و خیلی نمایشی تر بود. استفاده از نور و فرم طراحی صحنه، روز بعد هم رقص بورلنده آن‌ها را ببینم و توقع داشتم مثل شب قبل باشد ولی کاملاً متفاوت بود. در ته آن احساس لذت، خوشی و برادری، وجود داشت. احساسی غیر خودی که قدرت فوق‌العاده و طبیعی برای سخن گفتن بروس از روی صحنه شدن با جنبه‌های مختلف بزرگ شدن ترمس نداشته او مرد خانواده است. چهل‌درد و با همان ارزش‌های طبقه کارگر آمریکا زندگی می‌کند. این انرژی ترون کارش هم هست. این که یک نفر دیگر را پیدا کنی و با هم چیزی را بند کنی. به مرزها نگاه کنیدی. مارش پوست‌ش ندارد. پدرش دوستش ندارد و او به‌تعلیمش می‌آید. یا در The River: او می‌فهمد مری حمله است و روز بعد برای او لباس عروس می‌خرد. هنگام شب به سمت رودخانه می‌روند و در آن شیره جرم می‌زنند. برای برخی از ما که نسبت به ازدواج مرد هستیم، تقلا برای عشق در این دنیای فانی در برین آن‌دو در رودخانه جمع می‌شود. آهنگ‌های بروس با این تصاویر پر شده‌اند اما آن‌ها تصاویر سردمد طبقه کارگر نیست. او به‌طور اتفاقی اهل

از بسیاری جهت بروس سیرینگترین تجسم راک اندرول است. موسیقی او با ترکیب راک بلوز و آر اند بی عمیق‌ترین ارزش‌های راک را برجسته می‌کند: اشتیاق و نیاز به آزادی و کوشش برای پیدا کردن خود، در تمامی آهنگ‌هایش یک نوع سخاوت و اشتیاق برای نمایان کردن حتی کوچک‌ترین ساده‌ترین جنبه‌های زندگی‌تان وجود دارد. اولین‌باری که موسیقی او را شنیدم در یک کلوب کوچک در نیویورک بود که مهمانان کمی را دعوت کرده بود. قدرتی واضح داشت. نمایشی فوق‌العاده از مهارت نغزلی او. او پرسیدم اهل کجاست و او لبخندی زد و گفت نیوجرسی. چیزی وجود داشت که مردم اهل نیوجرسی می‌دانستند اهل آن‌جا بودن یعنی چه و او لبخند زد چون می‌دانست اهل کجاست. دفعه بعدی که او را دیدم به همراه گروه‌اش بود هیچ ندیده بودم کسی کاری را که او می‌کرد بکنند. گیتار الکتریک می‌زد و می‌رقصید و گیتار به هیچ چیز وصل نبود. هیچ احتیاجی نبود که تک تک نت‌ها شنیده شوند. بسیار قدرتمند بود و آن قدر با احساس‌اش فضا را پر کرده بود که احتیاجی به شنیدن همه نت‌ها نبود. دستیابی او به موسیقی حکایتی است و از آغاز وجود داشت.

نیوجرسی است. بروس انواع تأثیرات را گرفته است و از چاک بری و گری باند تا بلب دینان و وودی گاتری. او همچنین خیلی شبیه مونتگمری کلیف، مارلون براندو و جیمز دین است. آهنگ‌هایی که با گویشی ویژه بین مردم شناخته شده‌اند. بروس همیشه داشته گسترده‌ای از سوز و احساس را با خود دارد و همین‌طور بلندی و کوتاهی صدا. بی‌مادترین آهنگ‌هایش ساکت‌ترین چیزهایی است که تا به حال شنیده‌اید اما بلندترین‌هایش هم غیب بلندترین هستند. او همیشه در فضای بزرگ کار می‌کند. فضای که هیچ کم از حد و اندازه‌ای قهرمان ندارد. او از معدود آهنگسازانی است که در فضای کار می‌کند که توانایی برخورد با آلوده ملی ما را دارد. حس موسیقایی او به عنوان نیروی انتی‌امپرش از آغاز وجود داشت و در بافت آهنگ‌هایش موج می‌زند. آهنگ‌های او در هر دو طرف این ورطه. بگو بین کامپل سیاه‌پوستان و سفیدپوستان، بین بلوز و کانتری، بین شورش و رستگاری سبز شده‌اند.